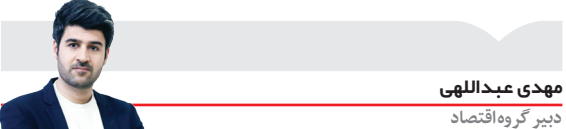


چرا طرح های اقتصادی مهرعلیزاده هم خنده دار است هم عجیب

اصلا از اقتصاد ایران خبر دارید؟



مهدی عبداللهی
دبیر گروه اقتصاد

«فرهنگیستان» در سلسله گزارش هایی به بررسی برنامه های نامزدهای سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری پرداخته است. در گزارش پیش رو به بررسی برنامه های محسن مهرعلیزاده پرداخته ایم که با عنوان «دولت زندگی» از سوی وی نامگذاری شده است. باید اعتراف کنیم وبه فال نیک بگیریم که وی از جمله نامزدهای پیشتاز در ارائه برنامه مکتوب در بین نامزدهای ریاست جمهوری است. برنامه های دولت زندگی در سه جلد به صورت مفصل ارائه شده است. آنچه در این گزارش به آن پرداخته شده، نگاهی به کلیات راهبردهای اعلامی دولت احتمالی محسن مهرعلیزاده است. نکته قابل تامل در برنامه های اعلامی دولت زندگی، آشفتگی، پریشانی و گم شدن و رها شدن و آویزان شدن در بین نظرات، دیدگاه ها و مبانی فکری دولت های سازندگی، اصلاحات، دولت بهار، دولت تدبیر و درنهایت خلق ایده های خام و خطرناکی است که درصورت اجرا شدن می تواند هر دولت و حاکمیتی را اساقط کند.

محسن مهرعلیزاده کیست؟

در وب سایت شخصی مهرعلیزاده آمده که وی متولد ۱۳۳۵ در مراغه، متاهل و دارای سه فرزند است. مشارکت در تشکیل کمیته انقلاب اسلامی مراغه، مشارکت در تاسیس جهاد سازندگی و هیات های هفت نفره در استان آذربایجان شرقی و مشارکت در تشکیل کانون نشر فرهنگ انقلاب اسلامی تبریز از جمله رزومه حضور او در نهادهای انقلابی است. در حوزه های صنعتی و اقتصادی، وی قائم مقام مدیرعامل شرکت لیلاند موتور ایران (شهاب خودرو)؛ عضو هیات مدیره سایپا، معاون وزیر صنایع سنگین در امور صنعتی و بهره برداری، عضو هیات عامل سازمان گسترش و نوسازی ایران، رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان عمران کیش، رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری شاهد، معاون سازمان انرژی اتمی ایران در امور نیروگاه ها و رئیس هیات مدیره و مدیرعامل سازمان اقتصادی کوثر بوده است. معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان تربیت بدنی، معاون وزیر صنایع سنگین، استاندار خراسان و اصفهان و معاون سازمان انرژی اتمی ایران از جمله مسئولیت های وی در حوزه های کلان اقتصادی و مدیریت سیاسی است.

فعالیت مؤثر مذهبی و سیاسی در دوره دبیرستان در قبل از انقلاب، تشکیل کلاس های قرآن و نهج البلاغه برای دانش آموزان قبل و بعد از انقلاب؛ فعالیت مؤثر در جنبش دانش آموزی قبل از انقلاب در زمره گروه های سیاسی- مذهبی دانشگاه، حضور در جبهه های جنگ تحمیلی سال های ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ و فعالیت های سیاسی از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون هم بخشی از فعالیت های انقلابی و مذهبی این نامزد سیزدهمین انتخابات ریاست جمهوری است که وی در وب سایت شخصی خود درج کرده است. البته همان طور که در وب سایت شخصی مهرعلیزاده آمده، صدها کار اجرایی، پروژه و طرح ردیف شده اند که وی مدعی است از دهه ۱۳۵۰ تاکنون در آنها مشارکت داشته و رزومه علمی، اجرایی و سیاسی و عقیدتی اوست. آنچه از رزومه علمی و اجرایی مهرعلیزاده برمی آید، وی با این کارنامه باید درحال حاضر ازجمله مدیران پخته و بالایی باشد که آماده خدمت و جانفشانی برای مردم شده است. اما آن طور که در مناظره اول و در بخشی از مناظره دوم و همچنین تبلیغات انتخاباتی از مهرعلیزاده دیده شده، رفتار و افکار وی کپی ناقصی از دوگانه سازی های جناح اصلاح طلب و برنامه های اعلامی وی کپی ناقصی از برنامه های اعلامی دولت اصلاحات، دولت سازندگی و دولت روحانی است.

دکتری که دکتر نبود!

پس از اتمام مناظره اول کاندیداهای ریاست جمهوری در رسانه های رسمی و همچنین فضای مجازی از بی اخلاقی ها و نازل شدن سطح اظهارات و پاسخگویی برخی کاندیداها به سوالات مناظره و انشاخوانی ها انتقادهای بسیاری شد. یکی از این حواشی و بد اخلاقی ها، حمله کلامی محسن مهرعلیزاده به سیدابراهیم رئیسی بود.

وی سخنان خود را این گونه شروع کرد: «سوالی که از آقای رئیسی دارم این است که آیا حاضرید خانواده خود را به دست یک راننده بدون تخصص بدهید تا به چالوس برسد؟ شما فقط ۶ کلاس سواد دارید، البته من به سواد حوزوی شما احترام می گذارم، اما با سواد حوزوی نمی شود اقتصاد را اداره کرد. « محسن مهرعلیزاده در مناظره دوم نیز طی اظهاراتی مدعی شد: «من به سواد و آموخته های حوزوی ایشان احترام می گذارم، اما واقعیت این است که ایشان دروس حوزوی خوانده اند، بعد براساس قوانین معادل سازی شده به مقطع فوق لیسانس رفته و بعد دکتری شرکت کرده و از مدرسه عالی شهیدمطهری دکتری خود را اخذ کرده اند.» وی گفت درواقع آقای رئیسی ۶ کلاس سواد کلاسیک دارد.

مهرعلیزاده با بیان اینکه در امور اقتصادی و اجتماعی رویه کلاسیک برای رشد علمی وجود دارد، گفت: «اقتصاد یک علم است، کسی که داوطلب است باید کلاس ششم، دبپلم؛ لیسانس و فوق لیسانس و دکتری را گذرانده باشد و کار عملیاتی کرده باشد تا بتواند لمس اجرایی از آن کار داشته باشد.» مهرعلیزاده با تاکید بر اینکه مساله اقتصاد به سواد اقتصادی و زمینه اقتصادی برای همه کاندیداها نیاز دارد، گفت: «هرچند صرف سواد اقتصادی هم شاید نتواند گره گشا باشد، استادان دانشگاه بسیاری در حوزه اقتصاد داریم، اما در عمل فرد باید با صنعت و تولید و کارخانه و برنامه ریزی آشنایی داشته باشد.» گرچه این بی اخلاقی های مهرعلیزاده موردپذیرش افکار عمومی هم نبود و بیش از آنکه بازخورد مثبت برای وی داشته باشد، با بی مهری به وی همراه شد، اما امید نیست نگاهی هم به سوابق تحصیلی محسن مهرعلیزاده داشته باشیم. براساس آنچه مهرعلیزاده در وب سایت شخصی خود اعلام کرده، وی بین سال های ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ لیسانس مهندسی مکانیک خود را از دانشگاه تبریز اخذ کرده، بین سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۲ مدرک فوق لیسانس مهندسی مکانیک را از همین دانشگاه گرفته، در سال ۱۳۸۸ موفق به اخذ مدرک دکتری مدیریت مالی از دانشگاه تهران شده، اما بخش جالب و جذاب مدارک علمی وی، دکتری مهندسی اقتصاد از دانشگاه تیلبرگ هلند است. مهرعلیزاده آنچه در مناظره اول روی آن تاکید داشت، این بود که وی دکتری مهندسی اقتصاد دارد.

البته با کمی بررسی مشخص می شود وی هنوز از تر و رساله دکتری خود در



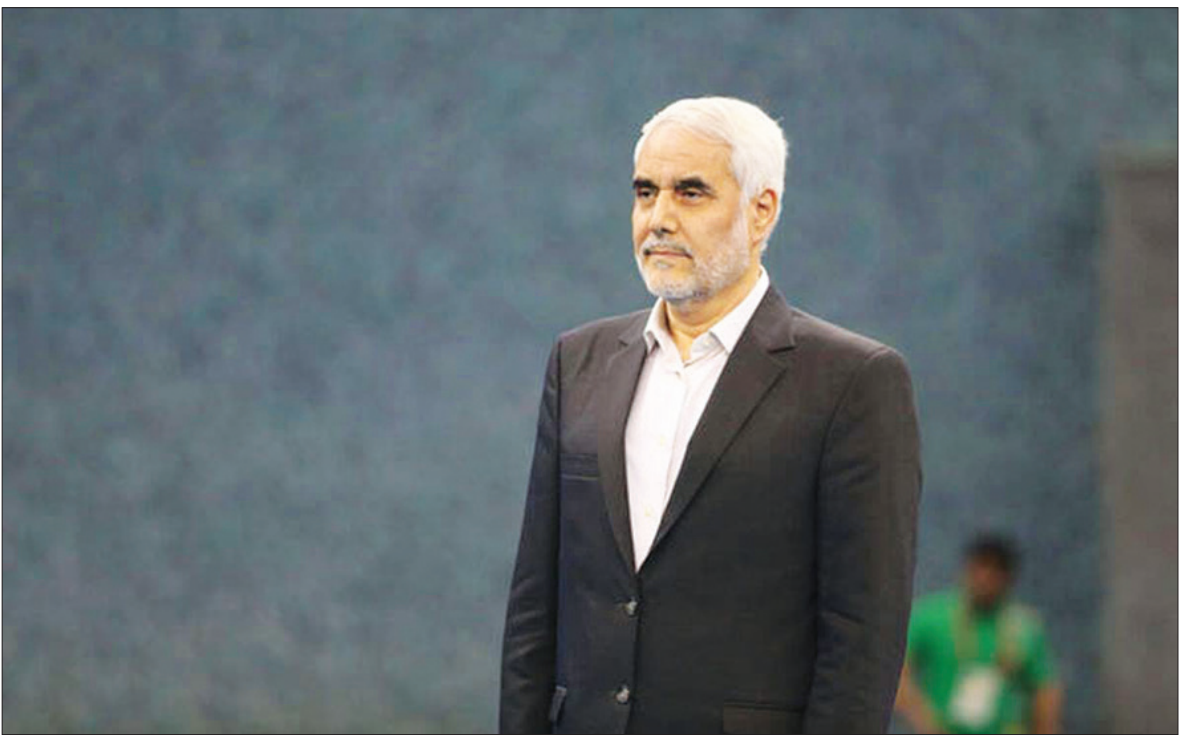
رشته مهندسی اقتصاد دفاع نکرده است. در وب سایت مهرعلیزاده آمده که او درحال اتمام این رشته است و یاسر مهرعلیزاده فرزند این نامزد انتخابات سیزدهم ریاست جمهوری (در برنامه گفت وگو با نمایندگان نامزدها که پیش از گفت وگوی ویژه خبری شبکه دو پخش می شود) نیز گفته است: «تحصیلات در لیسانس و فوق لیسانس مهندسی مکانیک، لیسانس از دانشگاه تبریز و فوق لیسانس از دانشگاه شریف، همچنین دکتری مدیریت مالی از دانشگاه تهران دارد و یک دکتری دفاع نشده مهندسی اقتصاد از دانشگاه تیلبرگ هلند هم دارد که به علت مسئولیت های زیاد نتوانست از آن دفاع کند و ادامه دهد.» از این موضوع بگذریم که مهرعلیزاده با مسئولیت های سنگینی که داشته چگونه به تحصیل در دانشگاه های خارجی هم فکر کرده، اما موضوع مهم این است از آنجاکه شاکله تحصیلات دوره دکتری بر ارائه و دفاع از تر و رساله استوار است، مهرعلیزاده به لحاظ قوانین دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی نمی تواند خود را دکتر در این رشته معرفی کند. این موضوع در خارج از ایران به نوعی قریب افکار عمومی تلقی می شود. در ادامه به بررسی ایده ها و برنامه های مهرعلیزاده می پردازیم.

رونمایی مهرعلیزاده از یک نظر به جدید!

مهرعلیزاده برای ارائه برنامه ها و گفت وگو با نخبگان و کارشناسان اقدام به منتشرکردن طرح ها و تحلیل های خود تحت عنوان «حکمرانی اقتصاد اجتماعی» در سه بخش کرده و مباحثی را عنوان کرده است. وی در ابتدای برنامه خود عنوان می کند: «الگوی حکمرانی اقتصاد اجتماعی که خواست، نگرش و اراده اینجانب را منعکس می سازد، به عنوان راهکار اساسی برای حل مشکلات فراوی کشور و تسریع امر توسعه همه جانبه و پایدار به حضور شما مردم شریف تقدیم می شود.» این نامزد سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری راه غلبه بر ناکامی ها را تنها برنامه ای مبتنی بر الگوی «اقتصاد اجتماعی» یا «دولت رفاه» معرفی می کند و معتقد است این الگو همخوانی بسیاری با اقتضانات فرهنگی و سیاسی کشور دارد و به طور همزمان پاسخگوی کارآمد کردن اقتصاد نیز خواهد بود. مهرعلیزاده «اقتصاد اجتماعی» را طرح تکوین یافته «دولت رفاه» می داند و می گوید این برنامه هم زمان منجر به توسعه بازار رقابتی و حراست از حقوق شهروندان خواهد شد. اینکه برداشت مهرعلیزاده از دولت رفاه و اقتصاد اجتماعی چیست و این دو تا چه حد از یکدیگر تفکیک خواهند شد بحث مفصلی خواهد بود که در این مجال نمی گنجد، برای همین تنها نقاطضعف و قوت این ایده را برمی شماریم:

۱- ارائه طرح مدون به صورت نوشتاری و انتشار آن درمعرض عموم امر مبارکی است که احتمالا مهرعلیزاده اولین کاندیدای انتخاباتی پیشران در این مساله بوده است، ۲- در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول متعددی به مبانی دولت رفاه و اقتصاد اجتماعی اشاره شده است و قطعا این طرح نمی تواند به عنوان ایده جدید برای حکمرانی کشور ازسوی مهرعلیزاده باشد. بند یک اصل ۴۲ قانون اساسی به تامین نیازهای اساسی، بند دوم اصل سوم قانون اساسی به آموزش وپرورش رایگان، بند بیست ونهم به برخورداری از تامین اجتماعی انظر بازنشستگی و بیکاری و... پرداخته است که نشان می دهد آنچه درحال حاضر به عنوان ایده جدید مطرح می شود، سال ها است که در قانون اساسی وجود دارد که یا اجرا نشده اند یا در مرحله اجرا تغییر ماهیت داده اند، ۳- هرکرد هم به زعم مهرعلیزاده، مبانی اقتصاد اجتماعی توسعه یافته تر از دولت رفاه باشد، نمی توان مبانی این دونظریه را جدا از یکدیگر نگاه داشت. دولت رفاه مدرن ازطریق بازتوزیع بخشی از منابع حاصل از مالیات فعالیت های داخلی، خدماتی را به مردم ارائه می کند که دولتی که راه درآمد آن رانت خارجی مانند استخراج و فروش نفت است نخواهد توانست. بنابراین پشتوانه دولت رفاه و یک حکمرانی اقتصاد اجتماعی؛ سیستم مالیاتی کارآمد و خدمات اجتماعی و رفاهی منسجم است که الگوی مناسبی برای اقتصاد نفتی ایران نخواهد بود، ۴- نوع رابطه دولت و ملت و همچنین نهادهای دموکراتیک غیرکارآمد به عدم موفقیت اهداف رفاهی اقتصاد ایران دامن زده است که همچنان ادامه دارد و مهرعلیزاده هم از برنامه های خود برای تحکیم نهادهای دموکراتیک مطالبی عنوان نکرده است، و ۵- دولت های نفتی و رانتی مانند دولت ها در ایران که می خواهند دولت رفاه شوند، درواقع رانت حاصل از نفت را توزیع می کنند و دولت رفاهی که مدنظر مهرعلیزاده است نیز قرار است ازطریق سیاست های تبدیلی، آزادسازی قیمت ها و حتی پولی سازی خدمات و به حداقل رساندن نقش دولت در اقتصاد و به حداقل رساندن نقش دولت در ارائه خدمات عمومی، ازطریق منابع حاصل از آزادسازی قیمت حامل های انرژی و به اصطلاح اجرای طرح هدفمندی یارانه های انرژی و غیرانرژی به مردم خدمات اجتماعی ارائه دهد.

اقتصاد



دولت پریشان ملی!

مهرعلیزاده برنامه های اقتصادی خود را در ۱۶ بند دسته بندی کرده که در اینجا به برخی از این موارد اشاره می شود. در رؤس کلی برنامه های وی آمده است: «برنامه اقتصادی الگوی حکمرانی اقتصاد اجتماعی براساس نظریه اقتصاد بازار رقابتی تنظیم و تدوین شده و توسعه رقابت در عرصه اقتصاد به منظور حداکثر کردن کارآمدی و ایجاد شرایط زندگی برازنده ایرانی موضوع محوری سیاست اقتصادی است که موارد زیر را شامل می شود:

۱- ایجادبستر مناسب برای دستیابی به زندگی برازنده ایرانی با عنایت به مجموعه محدودیت های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و طبیعی از طریق توسعه سرمایه انسانی، اجتماعی و فیزیکی.

۲- راهبریی و سازماندهی تعامل سازنده بین عناصر نظام اقتصادی و رفع موانع در فراره توسعه رقابت عادلانه در عرصه اقتصاد براساس سوارکار بازار رقابتی.

۳- هدفمند کردن یارانه ها (به ویژه یارانه انرژی) برای کاهش ضایعات و تخریب منابع در اقتصاد و احیا و کاربرد منابع اقتصادی تلف شده برای ایجاد ثبات

اقتصادی، سرمایه گذاری و توسعه پایدار جامعه.

۴- مبارزه با هرگونه رانت اقتصادی و انحصارات به منظور ایجاد فرصت های عادلانه نه برای احاد جامعه، گسترش رقابت و جلوگیری از شکل گیری انحصارات دولتی، شبه دولتی و خصوصی.

۵- ایجاد تحول در بازار کالا، سرمایه و کار از طریق توسعه تعادل اقتصادی و متناسب کردن قیمت های کالاها و خدمات با هزینه نهایی (حاشیه ای) تولید و عرضه آنها و متناسب کردن قیمت عوامل تولید با بهره وری نهایی (حاشیه ای) آنها به منظور ایجاد زمینه برای گسترش رقابت.

۶- تضمین بهره مندی اقشار زحمتکش و نیروی کار فکری، فیزیکی و سازمانگر جامعه از دستاوردهای اقتصادی متناسب با نقش آنها در فرآیندهای اقتصادی و اجتماعی و براساس بهره وری نهایی (حاشیه ای) آنها در تولید کالاها و خدمات و مبتنی بر حقوق عادلانه و رقابت.

۷- افزایش سهم سرمایه گذاری در تولید ناخالص داخلی و ایجاد فرصت های شغلی جدید، گسترش زیرساخت تحقیقاتی و فنی جامعه، ایجاد بسترهای مناسب برای توسعه انسانی و ترغیب کارآفرینی.

۸- کاهش مداوم سهم درآمد های نفت و گاز طبیعی در بودجه جاری دولت و تخصیص منابع حاصل از درآمدهای نفت و گاز طبیعی به تعمیق کیفیت و توسعه سرمایه انسانی، اجتماعی و فیزیکی و جایگزینی صادرات نفت با صادرات کالاها، خدمات فناوری نوین.

۹- ایجاد بستر مناسب برای تحول مداوم و پیوسته در وضعیت اقتصادی همراه با ایجاد ثبات و پایایی نظام اقتصادی در راستای کنترل نرخ تورم، کاهش ریسک سرمایه گذاری و تشویق فعالیت های اقتصادی کارآمد از طریق اعمال انضباط مالی در بودجه دولت و اعمال مدیریت کارآمد بر سیستم پولی کشور. ۱۰- کاهش نقش تصدی گری و فعالیت اقتصادی دولت و واگذاری فعالیت های اقتصادی به بخش خصوصی کارآفرین و توانمند و محدود کردن فعالیت دولت به عرصه هایی که شکست بازار روی می دهد.»

درنهایت، مهرعلیزاده شعار اقتصادی الگوی حکمرانی «اقتصاد اجتماعی» را توسعه پایدار، ایجاد ثبات اقتصادی، کاهش نرخ تورم، ایجاد اشتغال، افزایش تولید، کارآمدی و زندگی برازنده ایرانی» معرفی کرده است. همان طور که در ۱۰ مورد بالا قابل مشاهده است، برنامه های وی به نوعی با آشفتگی و پریشانی وبدون ایده بودن، مواجه است. این برنامه ها در مواردی وارد مبانی دولت رفاه می شود، در آن طرف فهمی از دولت سازی و نهاده سازی ندارد، مبانی نتولیبرال دارد و از سیاست های تبدیلی و آزادسازی قیمت ها حرف می زند، از به حداقل رساندن نقش دولت در اقتصاد می گوید و مهم تر از همه، آنچنان که در ادامه می آید، می خواهد تمرکز و شاکله اداره کشور را بر درآمدهای به اصطلاح هدفمندی یارانه ها و سیاست های تبدیلی و آزادسازی قیمت ها بگذارد. وی از منابع گفتگی (!) حرف می زند که در بخش یارانه های انرژی و غیرانرژی نهفته و همگی منتظرند دولت رفاه وی باید تا این منابع را هدفمند کرده و از این طریق درخت عدالت را در کشور تنومندتر کند. عجیب تر اینکه درحالی همه راهبردهای کلان ترسیم شده دولت احتمالی مهرعلیزاده تورم زاست (با آزادسازی قیمت ها)، وی شعار خود را «توسعه پایدار، ایجاد ثبات اقتصادی، کاهش نرخ تورم، ایجاد اشتغال، افزایش تولید، کارآمدی و زندگی برازنده ایرانی» توصیف می کند.

پیش به سوی ونز وئلائی شدن با مهرعلیزاده

در بخش اهداف کمی، برنامه های اعلام شده ازسوی مهرعلیزاده بسیار قابل تامل است.

در بخشی از برنامه های وی آمده است: «اهداف کلان کمی در دوره چهارساله ریاست جمهوری شامل موارد زیر است:

چهارشنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۰ شماره ۳۳۴۶



۳۳۴۶

- دگرگونی ساختار بودجه و هزینه کرد دولت براساس کارآیی و تخصیص کارآمد منابع و هزینه کرد و محدود کردن درآمد دولت به درآمدهای مالیاتی.
- کاهش وابستگی بودجه دولت به درآمدهای نفتی به صفر در پایان دولت.
- اجرای هدفمندسازی یارانه انرژی در راستای کاهش وابستگی اقتصاد به دولت، ارتقای بهره وری و کاهش یارانه های انرژی به ۴۰ درصد آن در سال ۱۴۰۰ در دوره چهارساله با اولویت صنایع به شدت انرژی بر سایر صنایع کشاورزی و حمل و نقل.
- تخصیص کل منابع حاصل از کاهش یارانه انرژی خارج از بودجه دولت به امر سرمایه گذاری ازطریق بخش خصوصی، افزایش قدرت خرید مردم و ارتقای سطح بهره وری کل اقتصاد.
- افزایش سرمایه گذاری ازطریق بخش خصوصی در اقتصاد به طور متوسط به میزان ۳۰ درصد در سال در دوره چهارساله.
- کاهش نقش دولت در اقتصاد به کمتر از ۳۰ درصد.
- کاهش نرخ تورم به یک رقم درطول سه سال اول دولت و پایدار کردن آن در دوره دولت سیزدهم.
- افزایش درآمد واقعی ۳۰ درصد خانوارهای ضعیف جامعه (سه دهک پایین جامعه).
- پوشش کامل هزینه های بهداشت و آموزش ۵۰ درصد خانوارهای جامعه (۵ دهک پایین جامعه).
- ارائه تسهیلات ارزان مسکن برای ۶۰ درصد خانوارهای فاقد مسکن مناسب (۶ دهک پایین جامعه) به میزان ۲۰۲ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان (معادل ۸/۱ میلیارد یورو).
- ایجاد حداقل ۱/۸ میلیون شغل جدید تا پایان دوره ریاست جمهوری.
- ایجاد رونق اقتصادی و دستیابی به رشد متوسط حداقل ۶ درصد در سال در دوره چهارساله.»
- مهرعلیزاده در برنامه خود به رونق اقتصادی هم اشاره می کند و در اینجا از اعدادی می گوید که هر ایرانی با شنیدن این ارقام باید بسیار خوشحال باشد. قبل از اینکه درمورد این اعداد فضایی بگویم، لازم است متذکر شوم شباکله مالی همه برنامه هایی که این نامزد سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری طراحی کرده، برپایه منابع حاصل از هدفمندی یارانه ها و آزادسازی قیمت ها استوار است.
- در همین خصوص وی در بخشی از برنامه اعلامی خود بیان می دارد: «طرح هدفمندسازی یارانه های انرژی بخش مهمی از منابع کشور ازطریق تلفات و تخریب منابع انرژی هدر می رود و این امر هزینه های اقتصادی و اجتماعی زیادی را بر اقتصاد تحمیل کرده است. طرح هدفمندسازی یارانه های انرژی و دستاوردهای آن طبق طرح مدون، شفاف، مشخص و معین به مرحله اجرا درخواهد آمد. دسترسی به منابع احیا شده و بهره برداری از منابع وسیعی که در اقتصاد تلف یا تخریب می شود، کمک می کند امکانات و منابع داخلی برای ایجاد تحول ساختاری در اقتصاد فراهم شود.»
- مهرعلیزاده در برنامه اعلامی خود، «اصول و کلیات طرح هدفمندسازی یارانه انرژی» را به این شکل ترسیم کرده است: «الف- منابع حاصل از هدفمندسازی یارانه انرژی خارج از بودجه دولت و تحت مسئولیت و مدیریت مستقیم رئیس جمهور و به طور اخص به موارد معین و طبق طرح تفصیلی مشخص و با شفافیت کامل و تحت نظارت اجتماعی تخصیص داده می شود؛ ب- هرگونه افزایش قیمت انرژی برای بخش خانگی در طرح هدفمندسازی انرژی درطول دوره چهارساله دولت ممنوع خواهد بود؛ پ- هرگونه افزایش قیمت سوخت برای حمل و نقل عمومی و سهمیه سوخت خودروهای اقشار ضعیف جامعه درطول چهارسال دوره دولت مجاز نخواهد بود؛ ت- کاهش یارانه انرژی برای صنایع به شدت انرژی بر و صادرکننده محصولات، صنایع، بنگاه های حمل و نقل و گروه های مرفه و برخوردار جامعه درطول دوره چهارسال در دو فاز انجام می گیرد. ث- فروش و صادرات انرژی صرفه جویی شده برای بخش خصوصی آزاد خواهد بود.»
- اما درخصوص اعداد فضایی نیز صفحات ۳۰ تا ۳۵ جلد سوم از برنامه های اعلامی مهرعلیزاده به همین موارد مربوط می شود. در بند «ث» صفحه ۳۵ جلد سوم از برنامه های اعلامی مهرعلیزاده آمده است: «درآمد حاصل از هدفمندسازی یارانه های انرژی در بخش تولیدی برابر ۳ هزار و ۲۶۲ هزار میلیارد تومان یا معادل ۱۳۴ میلیارد یورو خواهد بود.» در فضایی بودن این عدد اعلامی ازسوی محققان مورداعتماد مهرعلیزاده همین کافی است که این مقدار معادل حدود ۲۰۰۰ هزار میلیارد تومان از کل بودجه عمومی کشور بیشتر است.
- در بند «ج» همین صفحه آمده است: «مالیات بر ارزش افزوده فروش انرژی و مالیات حاصل از حقوق شغل های جدید حاصل از سرمایه گذاری برابر ۳۳۳ هزار میلیارد تومان (معادل ۱۳/۳ میلیارد یورو) است و تنها برای افزایش درآمد دولت و جایگزینی درآمد صادرات نفت مورد استفاده خواهد بود.»
- در بند «چ» همان صفحه آمده: «ارائه تسهیلات ارزان به بخش خصوصی برای امور معین و برای بهینه سازی انرژی و آب، پیاده سازی اقتصاد چرخشی، تقویت نظام اجتماعی و پشتیبانی از پژوهش، توسعه و کاربرد فناوری و تسهیل تولید انبوه فناوری نوین و با بازده بالا و کارآمد برابر ۱۵۳۰ هزار میلیارد تومان (معادل ۶۱ میلیارد یورو) است.» لازم به ذکر است این عدد ادعایی محققان مورداعتماد مهرعلیزاده برابر با کل بودجه شرکت های دولتی در سال ۱۴۰۰ است.
- متاسفانه مشخص نیست این اعداد فضایی را محققان مورداعتماد مهرعلیزاده چگونه استخراج کرده اند. تناقض بزرگ تر اینکه وی می گوید در طرح یارانه ای او ۱- هرگونه افزایش قیمت انرژی برای بخش خانگی در طرح هدفمندسازی انرژی درطول دوره چهارساله دولت ممنوع خواهد بود و ۲- هرگونه افزایش قیمت سوخت برای حمل و نقل عمومی و سهمیه سوخت خودروهای اقشار ضعیف جامعه درطول چهارسال دوره دولت مجاز نخواهد بود. با این حال مشخص نیست این محققان زحمتکش این ارقام فضایی را از کجا کشف و ضبط کرده اند.
- درنهایت اینکه، درخصوص یارانه های انرژی و غیرانرژی، توزیع ناعادلانه، مصرف بی رویه در بخش هایی از صنعت و کشاورزی و مصارف خانگی قابل انکار نیست، اما چنین اعدادی می تواند با افزایش هزینه های تولید و بی پرده بگویم با نابودی تولید، اشتغال و کسب وکار که درنتیجه افزایش قیمت انرژی و قیمت نهاده ها و همچنین شوک تورمی اتفاق می افتد، کشور را در بحران ونز وئلائی شدن غرق کند.